



شناسایی مسائل و چالش های تضمین کیفیت و ارائه راهکارها برای نظام آموزش عالی مهارتی: دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه ای

دکتر حسین جعفری ثانی^{۱*}، دکتر علی جهان^۲، زهره شاهسون

چکیده

با توجه به افزایش تقاضا برای نیروی انسانی متخصص و ماهر، توجه به زیرساخت ها و الزامات زیرنظام های آموزش مهارتی، کیفیت آموزش و تضمین آن به عنوان یک تکلیف مشترک بین کلیه دست اندارکاران و سیاستمداران آموزش عالی به شمار می رود. در این راستا هدف پژوهش حاضر، تحلیل مسائل و چالش های تضمین کیفیت دانشگاه جامع علمی - کاربردی و مراکز تحت پوشش آن و همچنین دانشگاه فنی و حرفه ای در سطح استان خراسان رضوی به عنوان زیرنظام های آموزش مهارتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به همراه ارائه راهکارها و عوامل تسهیل بخش برای چالش های مذکور می باشد. گردآوری اطلاعات به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعه و بررسی منابع پشتیبان شامل: ۱- کاربرگ های تکمیل شده الف، ب و ج مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر اساس شاخص های نظارت و ارزیابی آموزش عالی از ۳۰۰ مورد بازدید توسط گروه های منتخب هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان خراسان رضوی در طی ده دوره بازدید سالانه ۲- مصوبات کارگروه های تخصصی شامل ۹۲ کارگروه تخصصی دانشگاه جامع علمی - کاربردی و ۵۳ کارگروه تخصصی دانشگاه فنی و حرفه ای ۳- مصوبات مربوط به ۱۰۲ جلسه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان و ۴- گزارش های تحلیلی تهیه شده توسط دبیرخانه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان، صورت گرفته است. در نهایت با بررسی منابع فوق، چالش ها و مشکلات مهم مربوط به هر زیرنظام توسط کارشناسان مسؤول دبیرخانه هیأت نظارت و ارزیابی استان که حداقل ده سال تجربه بازدید و نظارت و ارزیابی در سطح استان خراسان رضوی داشته اند، استنتاج و پس از تأیید نهایی توسط دبیر هیأت نظارت و ارزیابی ارائه گردید. یافته های مهم در زمینه چالش های دانشگاه جامع علمی - کاربردی شامل دو بخش کلی انحراف از مأموریت اصلی دانشگاه و نامطلوب بودن کیفیت آموزشی می باشد. همچنین وجود نظام متمرکز شدید، نداشتن سند راهبردی توسعه، کمبود شدید عضو هیأت علمی، کمبود بودجه و غیره به عنوان مهم ترین چالش های دانشگاه فنی و حرفه ای شناسایی شده است.

کلید واژه ها: چالش، نظارت و ارزیابی، عوامل تسهیل بخش، آموزش عالی، علمی - کاربردی، فنی و حرفه ای.

مقدمه

منابع انسانی ثروت یک ملت و سازمان هستند و ستون فقرات هر سازمانی به وسیله منابع انسانی آن شکل داده می شود. اندیشمندان مدیریت معتقد هستند که تفاوت کشورهای فقیر و غنی نه در منابع مالی و مادی آنها بلکه در مهارت و توانمندی های منابع انسانی و همچنین نحوه اداره و مدیریت آنها می باشد (حسینی راد و کاووسی، ۱۳۹۰). اهمیت منابع انسانی در توسعه فناوری به حدی است که اکثر دولت های اقتصادهای تازه صنعتی شده آسیایی به منظور خلق مهارت های فنی، مهندسی و علمی سطح بالا برای انجام فعالیت های نوآورانه و ورود به تحقیق و توسعه بیشترین دارایی را به آموزش اختصاص می دهند (لل و سانجایا، ۱۳۸۵ به نقل از پرند، ۱۳۹۲). داشتن مهارت و قابلیت های کافی نه فقط در زندگی شغلی بلکه در زندگی اجتماعی و شهروندی افراد حیاتی است. مهارت اساس انسجام اجتماعی است که بر اشتغال فرد، درک و احترام متقابل، مسؤولیت های شهروندی، خلاقیت، آزادی و مهارت های بین فردی مبتنی است و برای رسیدن به تکامل فردی ضروری هستند (گزارشی از کمیسیون اروپا، ۲۰۱۰). بدیهی است

۱- نویسنده مسؤول، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، دبیر هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم، تحقیقات و فناوری استان خراسان رضوی، Email: hsuny@um.ac.ir

۲- کارشناس هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم، تحقیقات و فناوری استان خراسان رضوی، Email: Alijahanpars@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه فردوسی مشهد، Email: shahsavan30@gmail.com



هنگامی که کسب مهارت و ایجاد تخصص های مختلف با نیازهای جامعه هماهنگ باشد از هدر رفتن منابع مالی و ایجاد روحیه ناامیدی در قشر فرهیخته جامعه که به عنوان سرمایه های توانمند و منابع انسانی مطرح جلوگیری می گردد (پرنده، ۱۳۹۲). بنابراین در این راستا امروزه در بیشتر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، آموزش های مهارتی اهمیت زیادی پیدا کرده است و در برنامه ریزی توسعه ای کشورهای نقشی راهبردی ایفا می نماید (عطاریا، خنیفر، رحمتی و جندقی، ۱۳۹۳). اهمیت آموزش های مهارتی در کشورهای مختلف تا حدی است که ارائه دهندگان آموزش و متولیان تربیت مهارتی و فنی در سطوح مختلف بسیار متنوع و گسترده می باشد. در این زمینه در حال حاضر در کشور ما دو نظام آموزش رسمی و غیررسمی طراحی و مستقر شده است. بر اساس قانون، متولیان نظام آموزش رسمی کشور در سطح متوسطه، وزارت آموزش و پرورش و در سطح عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. متولی نظام آموزشی غیررسمی کشور، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور است و متولی آموزش های مهارتی رسمی در سطح آموزش عالی دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه ای هستند (پرنده، ۱۳۹۲). عمده فعالیت آموزشی دانشگاه های فنی و حرفه ای، تربیت کاردان (تکنسین) و هدف اصلی دانشگاه جامع علمی - کاربردی نیز به عنوان یک متولی نظام آموزش عالی علمی - کاربردی آموزش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می باشد به نحوی که فارغ التحصیلان هر یک از مؤسسات وابسته به این دانشگاه بتوانند برای کاری که به آنها محول می شود، دانش و مهارت لازم را کسب نمایند.

برخلاف هزینه های سنگین دولتی و خصوصی در حوزه آموزش مهارتی رسمی، انتقادهای مهمی به کارکردها و دستاوردهای این نظام وجود دارد. به زعم ادهم و شفیع زاده (۱۳۹۵) در آسیب شناسی کلان وضعیت کنونی آموزش مهارتی، به ویژه آموزش رسمی مهارتی در ایران چالش هایی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: جزیره ای بودن، وجود سازمان های موازی و نبود انسجام و هماهنگی بین آموزش های مهارتی در کشور، عدم سیاست گذاری مناسب در حوزه جذب مربیان کارآمد و برنامه درسی و عدم تناسب ساختار موجود با مأموریت های نظام آموزش مهارتی کشور باعث شده است انتقادهایی به سیاست ها و قوانین و مقررات در این نظام وارد شود. در این خصوص حسینی راد و کاووسی (۱۳۹۳) نیز بیان می دارند که نهادهای متعددی در تدوین خط مشی برای نظام آموزش مهارتی کشور دخالت دارند، این تنوع و تعدد نهادها به هم پوشانی ها، دوباره کاری ها و نابسامانی در سیاست گذاری این نظام منجر شده است. همچنین به گفته ی پرنده (۱۳۹۲) با وجود آن که نزدیک به یک سده از ارایه ی آموزش های مهارتی در کشور می گذرد، ولی متناسب نبودن این آموزش ها با توجه به تغییرات مستمر فن آوری موجب شده که آموزش های مهارتی کشور اثربخشی و کارایی لازم و کافی را نداشته باشد. پرایس^۱ (۲۰۰۹) محتوای آموزشی غنی را یکی از دلایل موفقیت های سازمان های فنی و حرفه ای می داند ولی باتومز^۲ (۲۰۰۶) نتیجه گیری می کند که بین آموزش های فنی و حرفه ای با اهداف و محتوای برنامه های درسی تطابق وجود ندارد.

در این راستا به طور کلی با توجه به اهمیت آموزش های مهارتی، صلاحیت حرفه ای و توانمندسازی نیروی کار، ضرورت توجه به چالش ها و مسائل زیرنظام های آموزش مهارت و فناوری و لزوم انجام اقداماتی در جهت بهبود کیفیت، به عنوان یک تکلیف مشترک بین کلیه دست اندازان و سیاستمداران آموزش عالی بیش از پیش روشن می شود. در این زمینه تجربه بازدیدهای ادواری گروه های منتخب هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی استان خراسان رضوی، فرصتی را فراهم آورد که در نوشتار حاضر به تحلیل مسائل و چالش های تضمین کیفیت دانشگاه جامع - علمی کاربردی و مراکز تحت پوشش آن در سطح استان خراسان رضوی شامل ۶۶ مرکز و همچنین دانشگاه فنی و حرفه ای شامل ۱۱ دانشکده و آموزشکده به عنوان زیرنظام های آموزش مهارتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخته شود و ضمن تحلیل و جمع بندی، پیشنهادهایی در سطوح مختلف جهت تسهیل بخشی یا رفع چالش های مذکور ارائه گردد. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات است که ۱- مسائل و چالش های تضمین کیفیت دانشگاه جامع علمی - کاربردی و مراکز آن و همچنین راهکارها و عوامل تسهیل بخش چالش های مذکور کدام است؟ ۲- مسائل و چالش های تضمین کیفیت دانشگاه فنی و حرفه ای و راهکارها و عوامل تسهیل بخش آن کدام است؟

مبانی نظری

آموزش فنی و مهارتی

در اقتصاد دانش محور، مهم ترین عامل تولید نه نیروی کار و سرمایه، بلکه دانش، مهارت و فن آوری است (یوسیلد^۳، ۱۹۹۶ به نقل از پرنده، ۱۳۹۲). فرهنگ سیاست های جامع آموزشی و تحصیلاتی اروپا، مهارت را به عنوان توانایی انجام وظایف و حل مشکلات تعریف می کند (فرهنگ سیاست

1.Price
2.Bottoms
3.Useild

آموزش و پرورش اروپا، ۲۰۰۸). براساس الگوی شایستگی کنسرسیوم نیز مهارت عبارت است از توانایی پیاده سازی علم در عمل، مهارت از راه تکرار کاربرد دانش در محیط واقعی به دست آمده و توسعه می یابد. توسعه مهارت موجب بهبود کیفیت عملکرد می شود (فتحی، ۱۳۸۷). مهارت ها و توسعه آن نتایجی را برای کارفرمایان، جامعه، افراد و اقتصاد در بر دارد (گزارشی از کمیسیون اروپا، ۲۰۱۰). در این راستا آموزش مهارتی نقش مهمی را در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروی کار ماهر مورد نیاز بازار کار و توانمندی های منابع انسانی در کشورهای مختلف ایفا می کند (مقصودی، ۱۳۹۳). سازمان یونسکو آموزش فنی و مهارتی را اینگونه تعریف کرده است: جنبه های مختلفی از فرآیند آموزش، علاوه بر آموزش عمومی، آموزش فناوری ها و علوم مرتبط با فناوری، کسب مهارت های عملی و دانش مرتبط با شغل در بخش های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی (مک لین^۱، شانتی و ساروی، ۲۰۱۲). آموزش های مهارتی به دلیل توأم نمودن آموزش های نظری و عملی از توانایی زیادی در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت کارگر دانش مدار برخوردار می باشند. این آموزش ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش های مختلف اقتصاد این کشورها می باشند، بلکه از طریق بستر سازی خود اشتغالی، به حال مشکل بیکاری نیز کمک می نمایند. به علاوه این آموزش ها راه میان بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می روند، چراکه از یک سو با توجه به بهره مندی این آموزش ها از مبانی علمی و استفاده از روش های پذیرفته شده آموزش های کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی صرف جدا کرده و از این طریق راه دراز مدت و غیر علمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و این توانایی را در آموزش دیده فراهم می کنند تا بتوانند خود را در مقابل تغییرات تکنولوژیکی به آسانی هماهنگ نمایند. از سوی دیگر این آموزش ها این امکان را برای آموزش دیده فراهم می نمایند که همسویی بیشتری برای جذب آنها در فعالیت های اقتصادی - اجتماعی فراهم گردد. این آموزش ها همچنین از مزیت بازدهی در کوتاه مدت و یا میان مدت برخوردار می باشند (پرواوین و یزاریا^۲، ۲۰۰۳، به نقل از حسینی راد و کاووسی، ۱۳۹۳). آموزش فنی و مهارتی، آموزشی است که دانش و مهارت های عملی مورد نیاز برای کسب و کاری خاص، استخدام شدن یا ماهر و متخصص شدن در کسب و کار فعلی، ارائه می دهد. این نوع آموزش به جنبه هایی از آموزش اشاره دارد که به کسب مهارت های کاربردی و عملی و دانش علمی پایه در باره ی شغل منجر می شود (ابایمی علومد^۳، ۲۰۱۳). در واقع آموزش های مهارت و فناوری به آموزش هایی اطلاق می شود که با هدف ارتقاء و انتقال دانش کار و فناوری، به روز کردن مهارت های شغلی و افزایش بهره وری به صورت مستمر و همیشگی تمامی سطوح تحصیلی مهارت و فناوری، به صورت آموزش های رسمی و آموزش های تکمیلی بین سطوح تحصیلی طراحی و اجرا می شود و با استفاده از فناوری های آموزشی روز و ظرفیت های آموزشی و ظرفیت های آموزشی محیط کار، افراد را بر اساس استانداردها و صلاحیت های شغلی و با تأکید بر اخلاق حرفه ای برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار تا سطح مطلوب تربیت می نماید. اصول حاکم بر نظام آموزش مهارت و فناوری عبارت است از جامعیت و انسجام، انعطاف پذیری، هماهنگی، استقلال، پویایی و به روز بودن، مبتنی بر محیط کار، مشارکت و تعامل، فراگیری و همیشگی بودن (نیرومند، فرجی ارمکی، رنجبر، احدیه و قنبری، ۱۳۹۲). به زعم حسینی راد و کاووسی (۱۳۹۳) وجود یک نظام منسجم و پویا در حوزه آموزش مهارتی و تربیت حرفه ای به همراه یک نهاد هماهنگ کننده از الزامات تضمین کیفیت و ارتقای جایگاه این آموزش ها می باشد. تضمین کیفیت^۴ یک اصطلاح فراگیر و اشاره کننده به بهبود و ارتقای مستمر کیفیت نظام، مؤسسات یا برنامه های آموزش عالی است و به عنوان یک سازوکار منظم بر پاسخگویی و بهبود تمرکز می نماید (ولاسکو^۵، گرونبرگ و پارلا، ۲۰۰۷). به زعم لامیک و جانسن^۶ (۲۰۰۱) یک مفهوم وسیع تضمین کیفیت در آموزش عالی را می توان شامل کلیه خط مشی ها، سیاست گذاری ها، فرآیندها و فعالیت های برنامه ریزی شده که از طریق آنها کیفیت آموزش عالی حفظ، ارتقاء و توسعه می یابد، دانست.

انواع نظام های آموزش مهارتی: اهداف و مأموریت ها

آموزش و تربیت مهارت ورزان در هزاره سوم به عنوان آموزش های فراراهبردی در جهت توسعه پایدار کشورها به شمار می روند. این نظام با اهداف تربیت و افزایش کارایی و اثربخشی نیروی انسانی مورد نیاز در بخش های مختلف صنعت، کشاورزی، خدمات و فرهنگ و هنر بر اساس استانداردهای شغلی، فرهنگ ارزشی - بومی و نیاز بازار کار داخلی و تقاضای بازارهای منطقه ای و بین المللی متناسب با نظام اشتغال کشور و اشاعه و نهادینه سازی فرهنگ کسب و کار مبتنی بر استعداد، ذوق، دانش، مهارت، فناوری، تخصص، توانایی و کار آفرینی با رویکرد ارزش های اسلامی و اخلاق حرفه

1. Terminology of European education and training policy

2. Maclean, Shanti & Sarvi

3. Peravin Vizaria

4. Abayomi Olumade

5. Assurance quality

6. Vellasco & Grunberg & Parlea

7. Lamicq & Jensen





ای طراحی شده است (نیرومند و همکاران، ۱۳۹۲). در یک نوع شناسی، لیز و هوگان (۱۹۸۳) چهار رویکرد و نظام مختلف را برای آموزش فنی و مهارتی تعریف کردند.

سیستم آموزش رسمی: در این رویکرد در طول دوره تحصیلات رسمی، جهت گیری به سمت ارائه مهارت ها و آموزش حرفه ای است. رویکرد موازی آموزش مهارتی: در این رویکرد موسسات فنی و حرفه ای در کنار نظام عمومی آموزش مدرسه ای، آموزش فنی و مهارتی ارائه می دهند. رویکرد حقی انتخاب برنامه درسی اصلی: این رویکرد برنامه های آموزش مهارتی را در ساختار برنامه درسی عمومی مدرسه ای به عنوان نظامی جایگزین قرار می دهد. موضوع های حرفه ای و مهارتی به عنوان موضوع های اصلی اجباری یا گزینه هایی با نظام آموزش عمومی یکپارچه می شوند. نظام غیررسمی آموزش مهارتی: این نظام شرایط را فراهم می کند تا افراد خارج از نظام آموزش رسمی، مهارت ها و فنون مورد نیاز را فراگیرند (بتینگ، ۲۰۱۲).

در این زمینه در ایران نظام آموزش مهارت و فنی شامل سه بخش اصلی متوسطه، کوتاه مدت و عالی است که دوره های آموزش عالی مهارت و فناوری در دانشگاه جامع علمی- کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه ای اجرا می شود و مدارک تحصیلی این دوره ها توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و از طریق دانشگاه جامع علمی- کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه ای صادر می شود (نیرومند و همکاران، ۱۳۹۲). اگر در آموزش های رایج اعتقاد بر این است که فراگیران باید علم و دانش بیاموزند تا در پناه علم و دانش بتوانند کاری انجام دهند یا مسأله را حل کنند و اموری را اداره نمایند، در آموزش های علمی کاربردی و فنی و حرفه ای ساختار متفاوتی مطرح است، یعنی قبل از اینکه آموختن دانشی مورد نظر باشد، بیشتر انجام کار و یادگیری مهارت مطرح است.

پرداختن به آموزش های علمی کاربردی و فنی و حرفه ای جز و اولویت های آموزشی کشور طی برنامه توسعه تاکنون بوده است و جایگاه آموزش مهارتی در نقشه جامع علمی کشور و سیاست های کلان برنامه ششم ابلاغی مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. در هدف چهارم از اهداف بخشی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور، دستیابی به سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور متناسب با معیار جهانی و در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار داخلی و بین المللی اشاره شده است یا در یکی از راهبردها به صراحت، سازماندهی نظام های حرفه ای مبتنی بر دانش علمی و فنی برای اداره ی واحدهای اقتصادی- اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ مهارت گرایی و پژوهش محوری و کارآفرینی در نظام علم و نوآوری و همچنین تقویت مشارکت بخش های غیردولتی مورد توجه قرار گرفته است. در سیاست های کلان برنامه ششم ابلاغی مقام معظم رهبری نیز در بند ۷۶ (افزایش سهم آموزش های مهارتی در نظام آموزشی کشور) و بند ۷۸ (متناسب سازی سطوح و رشته های تحصیلی با توجه به نیازهای تولید و اشتغال) حاکی از آن است که آموزش های مهارتی مورد توجه جدی قرار گرفته است (نویداهم و شفیع زاده، ۱۳۹۵).

در این زمینه توسعه کمی و کیفی آموزش های مهارت و فناوری مبتنی بر پژوهش های کاربردی و آمایش سرزمین، طراحی و تدوین مدل ها و روش های انعطاف پذیر در آموزش های مهارت و فناوری تقاضا محور، نیازسنجی مستمر آموزشی مبتنی بر آمایش سرزمین و برنامه ریزی، سازمان دهی و هدایت آموزش های مهارت و فنی و حرفه ای با توجه به نظام های آموزشی بین المللی، معرفی و هدایت آموزش های مهارت و فناوری به بازار کار، تأمین نیاز آموزشی حوزه های شغلی تا بالاترین سطوح آموزش مهارتی بر اساس تحولات فناوری و فراهم کردن زمینه آموزش مادام العمر، فراهم نمودن امکان تجمیع دوره های آموزش تکمیلی بین سطوح تحصیلی و معادل سازی با دوره های رسمی از مأموریت های نظام آموزش مهارت و فناوری کشور است (نیرومند و همکاران، ۱۳۹۲). در ادامه به ساختار، اهداف و مأموریت های دانشگاه جامع علمی- کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه ای به عنوان دو نظام آموزش عالی فنی و مهارتی پرداخته می شود.

رویکرد نظارتی در ارزیابی آموزش عالی ایران

نظام های آموزش عالی جهان در دو دهه گذشته نسبت به تضمین کیفیت خود از حساسیت ویژه ای برخوردار شده است و به ایجاد نظام های ملی برای ارزیابی و تضمین کیفیت پرداخته اند. این نظام ها از رویکردها، سطوح، اهداف، روش ها، ابزارهای گردآوری، نحوه گزارش دهی و پیام های مختلفی برخوردارند (اسحاقی و محمدی، ۱۳۹۳). نظام های تضمین کیفیت ضمن اینکه مؤسسات و برنامه های آموزشی را در بر می گیرند. بیانگر کارکردهای مختلفی همچون الف) ارزیابی مربوط به راه اندازی برنامه ها و مؤسسات، ب) نظارت بر کارکردها (عملکرد) جاری آنها، ج) اعتبارسنجی، د) تصدیق حرفه ای فارغ التحصیلان و ه) تدارک اطلاعات با هدف تصدیق و اعتبارسنجی مؤسسات و برنامه های آموزشی هستند. این کارکردها ضرورتاً در همه

نظام‌ها وجود ندارند، اما اگر آنها نباشند اثربخشی تضمین کیفیت آنچنان که باید نخواهد بود (مارتین و استلا، ۱۳۸۸). در این زمینه نهادهای مختلف (دولتی یا غیردولتی) ممکن است مسؤول و متصدی انجام این کارکردهای مختلف باشند. در این خصوص در ایران ارزیابی به شیوه نظارت دولتی پس از تصویب قوانین اداری و اساسی معارف در سال‌های ۱۲۸۹-۱۲۹۰ شکل گرفته است و از سال ۱۳۸۶ با ابلاغ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نظارت دولتی بر تمام فعالیت‌های آموزشی در سطح عالی به هیأت‌های نظارت و ارزیابی استانی تفویض شده است و براین اساس، دانشگاه منتخب هر استان نظارت بر تمام مولفه‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، دانشجویی، رفاهی و فضاهای کالبدی و تجهیزات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی استان را عهده‌دار شده است. در راستای موضوع تشکیل و فعالیت هیأت‌های نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استانی، دانشگاه فردوسی مشهد در استان خراسان رضوی نیز مانند سایر دانشگاه‌های بزرگ و جامع استان‌ها به عنوان دانشگاه مادر نقش اصلی را در راهبری نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی استان بر عهده گرفته است و به این ترتیب فعالیت‌های نظارتی هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان خراسان رضوی با هدف ارتقاء کیفیت آموزش عالی از طریق جمع‌آوری و تحلیل آمار و ارائه گزارش‌های مستمر و با عضویت یازده نفر متشکل از سه عضو دارای شخصیت حقوقی و هشت نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی استان با عنوان اعضای حقوقی شکل گرفت. اکنون در طول ده دوره بازدید، تجربه بازدیدهای ادواری تیم هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی استان خراسان رضوی، فرصتی را فراهم آورد که در نوشتار حاضر به تحلیل مسائل و چالش‌های تضمین کیفیت دانشگاه جامع- علمی کاربردی و مراکز تحت پوشش آن در سطح استان خراسان رضوی شامل ۶۶ مرکز و همچنین دانشگاه فنی و حرفه‌ای شامل ۱۱ دانشکده و آموزشکده به‌عنوان زیرنظام‌های آموزش مهارتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از منظر یک نهاد متولی نظارت و ارزیابی در کشور پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

نویدادهم و شفیع زاده (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان "چالش‌های آموزش‌های مهارتی در کشور و ارائه راهبردهای مقابله با آن" که از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده‌ها کیفی است را انجام داده است. نمونه مورد مطالعه شامل مسؤولان و کارشناسان مرتبط به حوزه آموزش مهارتی در حوزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مؤسسات مهم آموزش آموزش عالی مرتبط، وزارتخانه کار و امور اجتماعی و وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش بوده که به صورت هدفمند انتخاب شدند. بر اساس نتایج حاصل سه مورد از مهم‌ترین چالش‌های آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: فقدان مدل توسعه آموزش عالی، مشخص نبودن میزان سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی کشور و فقدان مهارت‌های لازم در دانش‌آموختگان مراکز مهارت آموزی. در این زمینه سه مورد از مهم‌ترین راهبردهای آموزش مهارتی در کشور نیز تدوین و تنظیم سیاست‌های کلی آموزش‌های مهارتی، امکان افزایش ۵۰ درصدی سهم آموزش‌های مهارتی در برنامه ششم توسعه و همگرا کردن سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی با تأسیس شورای ملی مهارت عنوان شده است.

در پژوهش صالحی عمران (۱۳۹۳) که به منظور آسیب‌شناسی آموزش‌های مهارتی کشور با روش آمیخته و با استفاده از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه انجام گرفت، دو عامل نبود یک سیاستگذار کلان نیروی انسانی در کشور و عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده خدمات آموزش مهارتی در جامعه از جمله مهم‌ترین آسیب در بعد ساختاری شناخته شدند. در بعد محتوایی نیز عدم دسترسی کافی به اطلاعات بازار کار و عدم بهره‌مندی نظام آموزش مهارت از منابع انسانی مناسب این نظام شناخته شدند و در بعد محیطی و زمینه‌ای، عوامل دخالت قدرت سیاسیون در توسعه کمی آموزش‌های مهارتی و تقاضا محور نبودن آموزش‌های مهارتی کشور قرار گرفتند.

خرفانی و سلسله (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "آموزش علمی کاربردی: نظام آموزشی مجاور یا رکنی اساسی در آموزش عالی" برخی ویژگی‌هایی چون وارداتی بودن تکنولوژی، عدم منزلت اجتماعی مشاغل یدی، توفیق جنبه نظری بر جنبه‌ی عملی در آموزش عالی، عدم وجود استادکاران مجرب و واگذار کردن تعریف و اجرای آموزش‌های علمی- کاربردی به دستگاه‌های غیرآموزشی را از مهم‌ترین چالش‌های فراروی آموزش‌های علمی- کاربردی بیان می‌دارد.

محمدعلی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود با عنوان "آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و راه‌های اصلاح آن" مهم‌ترین چالش‌ها در این مسیر را ناشناخته بودن نیازهای کیفی بازار کار، کمبود اطلاعات جدید مربوط به نیروی کار، کمبود مشاوران حاذق و مطلع در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، کم توجهی به تشکیل سرمایه‌های انسانی، مشارکت غیرفعال بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نارسایی قوانین و مقررات، فراهم نبودن بستر لازم برای افزایش آگاهی‌های حرفه‌ای، اجرا نشدن کامل سیاست‌های مصوب مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فقدان استانداردهای ملی شغلی





و حرفه‌ای و نبود نظام تضمین و کنترل کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عنوان کرده است.

ثابت زاده، حاتم زاده، فلاح وحدتی جو و هاشمی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان "بررسی تطبیقی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای آلمان و ایران" که به روش توصیفی انجام داده‌اند، مشکلات عمده سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را عدم کیفیت و ارتباط برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار، فقدان چهارچوب ملی صلاحیت حرفه‌ای و عدم ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی و عدم وجود نهاد سیاستگذار واحد در امر این آموزش‌ها و به تبع آن پراکندگی مدیریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سطح کشور و ساختار نامنظم و ازهم گسیخته آن و همچنین مکانیزم غیر موثر تضمین کیفیت کازایی داخلی و خارجی سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی بیان می‌دارد. نتایج پژوهش حسین شاه^۱ (۲۰۱۰) که با هدف بررسی مشخصات آموزش فنی و حرفه‌ای کشور پاکستان و مشکلات و چشم انداز آن‌ها صورت گرفته است، نشان داد که مهم ترین مسائل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین کاربردی کشور پاکستان عبارتند از مسائل سیاسی و نظارت نامناسب، برنامه‌های درسی تاریخی، بودجه ناکافی، کمبود نقص ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بخش صنعت و همچنین عدم یک برنامه ملی مدرن و کاربردی هستند. همچنین ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بخش صنعت دولتی و خصوصی غیر ساختار مند بوده و نسبت به بسیاری از کشورهای نظیر جنوب شرق آسیا در حد پایین تری است.

کرم^۲ (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود که به بررسی استراتژی‌ها و چالش‌های سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای کشور لبنان می‌پردازد، بیان می‌دارد که سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای کشور لبنان در زمینه کارایی بیرونی از اثربخشی مطلوبی برخوردار نبوده که بخش عظیمی از آن، ناشی از عدم یک برنامه مدون و بخش دیگر نیز مربوط به عدم ارتباط کارآموزان با مراکز صنعتی و تجاری است.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعه و بررسی منابع پشتیبان شامل: ۱- کاربرگ‌های تکمیل شده الف، ب و ج مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر اساس شاخص‌های نظارت و ارزیابی آموزش عالی از ۳۰۰ مورد بازدید توسط گروه‌های منتخب هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان خراسان رضوی در طی ده دوره بازدید سالانه ۲- مصوبات کارگروه‌های تخصصی شامل ۹۲ کارگروه تخصصی دانشگاه جامع علمی- کاربردی و ۵۳ کارگروه تخصصی دانشگاه فنی و حرفه‌ای ۳- مصوبات مربوط به ۱۰۲ جلسه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان و ۴- گزارش‌های تحلیلی تهیه شده توسط دبیرخانه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان، صورت گرفته است. در نهایت با بررسی منابع فوق، چالش‌ها و مشکلات مهم مربوط به هر زیر نظام توسط کارشناسان مسؤول دبیرخانه هیأت نظارت و ارزیابی استان که حداقل ده سال تجربه بازدید و نظارت و ارزیابی در سطح استان خراسان رضوی داشته‌اند، استنتاج و پس از تأیید نهایی توسط دبیر هیأت نظارت و ارزیابی ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: مسائل و چالش‌های تضمین کیفیت دانشگاه جامع علمی- کاربردی و راهکارها و عوامل تسهیل بخش آن کدام است؟ برای پاسخ به این سؤال بعد از بررسی و مطالعه منابع پشتیبانی چون: ۱- کاربرگ‌های تکمیل شده الف، ب و ج مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ۳۰۰ مورد بازدید توسط گروه‌های منتخب هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان خراسان رضوی در طی ده دوره بازدید سالانه ۲- مصوبات ۹۲ کارگروه تخصصی دانشگاه جامع علمی- کاربردی و مراکز آن ۳- مصوبات مربوط به ۱۰۲ جلسه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان و ۴- گزارش‌های تحلیلی تهیه شده توسط دبیرخانه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان، در نهایت چالش‌ها و مشکلات مهم مربوط به دانشگاه جامع علمی- کاربردی و مراکز آن توسط کارشناسان مسؤول دبیرخانه هیأت نظارت و ارزیابی استان، استنتاج و پس از تأیید نهایی توسط دبیر هیأت نظارت و ارزیابی به شرح زیر ارائه گردید.

❖ چالش‌های دانشگاه جامع علمی- کاربردی و مراکز تحت پوشش آن

اول: انحراف از مأموریت اصلی دانشگاه

(مأموریت گرا نبودن، شغل محور نبودن و عدم اجرای نقش نظارتی بر مؤسسات و مراکز وابسته. این انحراف در حوزه‌های زیر اتفاق افتاده است):

- سازمان مرکزی از نقش نظارتی عدول کرده است و تصدی ۲۳ مرکز وابسته را مستقیماً در اختیار دارد.
- رشته‌های پشتیبان در بسیاری از مراکز که با هدف بقاء اختصاص یافته، خارج از مأموریت است.

1.Hussain shah
2.Karam



- استمرار فعالیت مراکز و دوره‌هایی که تاریخ و مأموریت آن پایان یافته است.
- اغلب دوره‌ها شغل محور نیست و پذیرش به صورت آزاد (غیر شاغل) انجام می‌شود، بنابراین مفهوم و تناسب دانشجویان شاغل به آزاد عوض شده و ۷۰٪ آزاد و ۳۰٪ شاغل (اغلب شاغل صوری) است.
- دانش آموختگان دانشگاه جامع حداقل باید دارای یک مهارت مشخص باشند ولی در عمل با بررسی‌های انجام شده چنین نیست.
- اغلب رشته‌های دایر در مراکز وابسته به مؤسسات، طبق اساسنامه نیست.
- آموزش در محیط‌های غیر مهارتی و غیر عملی برگزار می‌شود و آموزش از محیط‌های مهارتی به دور است.
- دوازده مؤسسه آموزش عالی علمی- کاربردی بر مراکز وابسته نظارتی ندارند.
- نظارت بر دوره‌های علمی کاربردی در سایر دانشگاه‌ها از جمله علوم پزشکی، مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور جدی گرفته نمی‌شود.
- گسترش بی‌رویه‌ی مراکز علمی کاربردی در قالب ساخت‌های متفاوت و خارج از ظرفیت مواد قانونی انجام می‌شود.
- در ایجاد مراکز و اختصاص دوره‌ها به نیازها، ظرفیت‌های منطقه و سند آمایش آموزش عالی توجه نمی‌شود.
- در ایجاد مراکز ضوابط تأسیس رعایت نمی‌شود.
- صدور مجوز یکبار پذیرش برای برخی رشته‌ها رعایت نمی‌شود.
- اساسنامه‌های تشکیل مراکز، شفاف نبوده و مفاد آن ضمانت اجرایی ندارد. به ویژه اساسنامه‌های موجود در حل اختلافات بین هیأت‌های مؤسس کارساز نیست.

دوم: نامطلوب بودن کیفیت آموزش

- مدرسین، اغلب توانمندی لازم طبق مأموریت دانشگاه جامع و ضوابط آموزش عالی را ندارند.
- اغلب سرفصل‌ها و محتوای دروس طبق ضوابط علمی تهیه نشده است.
- فضا و امکانات برای ارایه دوره به ویژه در دروس عملی ناکافی و نامناسب است.
- کارکنان اغلب دانش و توانمندی شغلی لازم را ندارند.
- پذیرش‌های مکرر دانشجو در یک سال تحصیلی و جذب بیش از حد نیاز به ویژه در رشته‌های مشابه نظام غیر مهارتی آموزش عالی باعث تشدید افت کیفیت آموزشی و افزایش خیل بیکاران مدرک به دست شده است.
- رشته‌های دایر در مراکز با ماهیت و قلمرو فعالیت دستگاه‌های متقاضی تناسبی ندارد.
- رشته‌های نظری بیش از اندازه گسترش یافته و دروس عملی در محیط‌های مهارتی به درستی اجرا نمی‌شود.
- برخی از مراکز مرتبط با صنعت از محیط کار و صنعت فاصله دارند.
- ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان متناسب با اهداف و مأموریت نیست و بیشتر نظری است.
- در این نظام فرآیند هدایت تحصیلی مناسب وجود ندارد.
- در این نظام دوره‌های توانمندسازی مدرسین و کارکنان به طور مستمر برگزار نمی‌شود.

❖ پیشنهادها

➤ پیشنهادها برای هیأت‌های نظارت استانی

- ارائه مشاوره و هم‌فکری به دانشگاه جامع استان در فرآیند گسترش
- توسعه بازدیدهای مشترک
- شناسایی دقیق رشته‌ها و دوره‌های غیر مأموریتی
- ضرورت تدوین اساسنامه مدون و جامع برای تشکیل و اداره مراکز به صورت شفاف و مطابق ضوابط
- نظارت بر وجود اساسنامه مصوب و اجرای دقیق مفاد آن
- بررسی حساب‌های مالی و تراز مالی (اشخاص حقیقی یا حقوقی) طبق ضوابط حسابرسی

● بخش چهارم: مقالات پذیرفته شده برای چاپ

- به روز رسانی کاربرگ‌های نظارت و پیشنهاد به مرکز نظارت
- بررسی هویت مدرسین دارای کد مدرسی و ID کارت
- توجه جدی به هویت مراکز از حیث دستگاه متقاضی، دولتی و غیردولتی بودن و از جمله آن.

➤ پیشنهادها برای مرکز نظارت

- در سیاست گذاری کلان آموزش عالی مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی موارد زیر را در دانشگاه جامع مدنظر قرار دهد:
 - نماینده دانشگاه جامع (معاون سنجش و نظارت) در کارگروه مربوط در مرکز نظارت شرکت کند.
 - زمینه ضمانت اجرایی بیشتر مصوبات هیأت‌های نظارت استانی فراهم شود.
 - وزارت عتف بر گسترش رشته‌های دانشگاه جامع نظارت دقیق اعمال نماید.
 - سرفصل‌ها و محتوای دوره‌ها پایش و به‌روز رسانی شود.
 - تمامی ضوابط، آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها به تأیید مرکز نظارت برسد.
 - مرکز نظارت در جهت بیشتر شناساندن دانشگاه جامع به هیأت‌های نظارت تلاش نماید.
- ### ➤ پیشنهادها برای دانشگاه جامع علمی- کاربردی
- توقف فعالیت ۲۳ مرکز وابسته به دانشگاه جامع،
 - حذف رشته‌های پشتیبان،
 - توقف فعالیت مراکز فاقد اساسنامه،
 - توقف دوره‌های مقطع دار مؤسسات آموزش عالی آزاد (۱۲ مؤسسه)،
 - توقف مراکزی که شغل محور و ویژه شاغلین نیستند (تربیت برای مشاغل آینده وظیفه دانشگاه فنی و حرفه‌ای است).
 - توقف دوره‌های مراکز علمی- کاربردی وابسته به سازمان فنی و حرفه‌ای که ماهیت آموزش عالی ندارد.
 - توقف دوره‌های مراکز وابسته به مؤسسات آموزش عالی علمی کاربردی غیردولتی که در راستای مأموریت تعریف شده در اساسنامه نیستند.
 - توقف پذیرش در رشته‌هایی که در اساسنامه مراکز وجود ندارد.
 - برنامه محوری در تداوم فعالیت دانشگاه جامع و تدوین برنامه‌های راهبردی،
 - بازنگری در ضوابط تعیین سرپرست یا رئیس مراکز علمی- کاربردی و واحدهای استانی
 - بازنگری در فرآیند تعیین سرفصل‌ها و محتوای دروس و تشکیل کارگروه برنامه‌ریزی درسی برای تعیین و تایید سرفصل‌ها و محتوا و روش‌های تدریس در دانشگاه جامع
 - برگزاری دوره‌های توانمندسازی مداوم برای مدرسین به ویژه در بدو همکاری و استمرار آن
 - فرایند پذیرش دانشجویان از طریق سازمان سنجش با در نظر گرفتن ضوابط و شرایط دانشگاه جامع و یک‌بار پذیرش انجام شود.
 - دانشگاه جامع و واحدهای استانی آن به مأموریت اصلی خود یعنی نظارت بر مؤسسات و مراکز (نه تصدی‌گری) برگردد.
 - مؤسسات آموزش عالی علمی کاربردی به وظیفه نیازسنجی و نظارت بر مراکز تابعه به طور جدی عمل کند.
 - برنامه‌ریزی و سازماندهی فرآیند آموزش و توانمندسازی مدرسین و کارشناسان و ارزیابی‌های مستمر توانمندی‌های آنان

سوال دوم پژوهش: مسائل و چالش‌های تضمین کیفیت دانشگاه فنی و حرفه‌ای و راهکارها و عوامل تسهیل بخش آن کدام است؟

برای پاسخ به این سؤال منابع پشتیبانی چون: ۱- کاربرگ‌های تکمیل شده الف، ب و ج مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ۳۰۰ مورد بازدید توسط گروه‌های منتخب هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان خراسان رضوی در طی ده دوره بازدید سالیانه ۲- مصوبات ۵۳ کارگروه تخصصی دانشگاه فنی و حرفه‌ای ۳- مصوبات مربوط به ۱۰۲ جلسه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان و ۴- گزارش‌های تحلیلی تهیه شده توسط دبیرخانه هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت استان، مطالعه و بررسی شده است. در نهایت با بررسی منابع فوق، چالش‌ها و مشکلات مهم مربوط به دانشگاه فنی و حرفه‌ای توسط کارشناسان مسوول دبیرخانه هیأت نظارت و ارزیابی استان که حداقل ده سال تجربه بازدید و نظارت و ارزیابی در سطح استان خراسان رضوی داشته‌اند، استنتاج و پس از تأیید نهایی توسط دبیر هیأت نظارت و ارزیابی به شرح زیر



زیر احصاء گردید.

❖ چالش‌های دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای

- نظام متمرکز شدید و تأثیر آن به عدم پویایی و نداشتن اختیارات لازم در استان‌ها جهت نوآوری‌های آموزش عالی و ارتباط با سایر مراکز آموزش عالی استان و کشور دشوار است.
- کمبود شدید عضو هیأت علمی و مدرسین تمام وقت همچنین دشواری و طولانی بودن فرایند جذب
- کمبود بودجه و منابع مالی
- نداشتن سند راهبردی توسعه و برنامه‌های عملیاتی و جزیره‌ای کار کردن
- فقدان تعریف عملیاتی‌های عناوینی همچون اعضای هیأت علمی، هنرآموزان، مدرسان و غیره و عدم وجود ساختار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در زمینه اعضای هیأت علمی و پست‌های سازمانی
- نبود فضای مناسب کتابخانه‌ای و بعضی منابع علمی روزآمد
- قدیمی بودن و فرسوده بودن امکانات و تجهیزات فنی و فضاهای کالبدی
- عدم توجه به امور رفاهی و شاداب سازی فضاهای اداری و آموزشی
- نبود شاخص‌ها و استانداردهای علمی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای
- نبود فضای مناسب انگیزشی جهت فعالیت‌های علمی و پژوهشی در بین اعضای هیأت علمی و مدرسین

❖ راهکارها و عوامل تسهیل بخش چالش‌های دانشگاه فنی و حرفه‌ای

- تجدید نظر در ساختار موجود و تفویض اختیار به واحدهای استانی، تحت عنوان لایه‌های استانی یا دانشگاه فنی و حرفه‌ای استانی و تعیین وظایف جدید بر اساس ساختار جدید.
- تشکیل کمیته یا شورایی در استان (برای استفاده از مدرسین و مدعو در کوتاه مدت) برای تعیین شایستگی تدریس افراد مدعو جهت بهبود وضعیت کیفی تدریس.
- تلفیق و ادغام آموزشکده‌های موجود در یک شهر (به عنوان مثال مشهد یا نیشابور) و استفاده از امکانات منابع انسانی و فیزیکی یکدیگر که در اینصورت می‌توان یک کتابخانه مرکزی، یک آزمایشگاه مرکزی و یک کارگاه مرکزی که از تلفیق دو یا سه واحد تشکیل شده را دارا بود.
- تجدید نظر در روش‌ها و رویه‌های اداری و عناوین آموزشی و تطبیق آن با وضع موجود دانشگاه و سایر واحدهای آموزش عالی
- به کارگیری مدرسین و اعضای هیأت علمی جدید با رویکرد فنی و مهارتی که از معیارهای گزینش علاوه برداشتن مدرک فاغ التحصیلی در رشته خاص، تجربه یا مهارت فنی نیز جزء معیارهای شرایط احراز می‌باشد.
- اختصاص بودجه منظور نوسازی تجهیزات، فضاهای کالبدی فرسوده
- توجه به آمایش آموزش عالی در توسعه واحد یا آموزشکده

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از سیاست‌های عمده کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، توجه به آموزش‌های مهارتی برای تربیت نیروی انسانی کارآمد است. این آموزش‌ها فرصت‌هایی برای رشد توانایی‌ها فراهم می‌آورد و افراد را در تولید و رشد جامعه سهیم می‌کند (کازامیاس و روساکیس، ۲۰۰۳). در ایران دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای متولی آموزش‌های مهارتی رسمی در سطح آموزش عالی هستند. در این راستا با توجه به افزایش تقاضا برای نیروی انسانی از جمله نیروی انسانی متخصص و ماهر، شناسایی نواقص موجود، مشکلات و چالش‌های زیرنظام‌های آموزش مهارتی و ایجاد بستر مناسب برای گسترش و ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای ضرورت دارد تا از این طریق با ارائه انواع راهکارها و عوامل تسهیل بخش چالش‌های مذکور در ابعاد مختلف ساختاری، برنامه‌ای و قانونی به دست اندرکاران و مدیران زیرنظام‌های مذکور و سایر مسوولان فرادست در زمینه ارتقای کیفیت آموزش عالی کمک لازم فراهم شود.

نتایج حاصل در خصوص چالش‌های دانشگاه جامع علمی - کاربردی حاکی از دو مسأله‌ی اساسی انحراف از مأموریت اصلی دانشگاه شامل





(مأموریت گرانبودن، شغل محور نبودن و عدم اجرای نقش نظارتی بر مؤسسات و مراکز وابسته) و نامطلوب بودن کیفیت آموزش می‌باشد. یافته‌های حاصل از نتایج تحقیقات ادهم و شفیع زاده (۱۳۹۵)، حسینی راد و کاووسی (۱۳۹۳)، صالحی عمران (۱۳۹۳)، پرند (۱۳۹۲) و همچنین خرقانی و سلسله (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در ادامه برخی از مهم ترین چالش‌های دانشگاه فنی و حرفه‌ای نظام متمرکز شدید، کمبود بودجه و منابع مالی، نداشتن سند راهبردی توسعه و برنامه‌های عملیاتی و جزیره‌ای کار کردن و همچنین کمبود نیروی انسانی از جمله عضو هیأت علمی شناسایی شده است که یافته‌های حاصل با نتایج پژوهش‌های محمدعلی (۱۳۹۰)، ثابت زاده، حاتم زاده، فلاح وحدتی جو و هاشمی (۱۳۸۹)، نتایج پژوهش حسین شاه (۲۰۱۰)، باتومز (۲۰۰۶) و کرم (۲۰۰۶) همسو می‌باشد.

به طور کلی در این زمینه به نظر می‌رسد گام مهم برای روبروشدن با چالش‌های پیش رو، حل تعارض کمیت و کیفیت در سطح سیاست گذاری‌های کلان آموزش عالی و فراهم آمدن زمینه نظارت بیشتر می‌باشد. در این راستا انتظار می‌رود که پس از چند دهه رشد کمی در آموزش عالی ایران، هم راستایی کمیت و کیفیت و حتی تقدم کیفیت بر کمیت در سیاست گذاری و برنامه‌ریزی‌های آموزش عالی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. بدیهی است اقداماتی که در جهت بهبود کیفیت آموزش عالی از جمله زیرنظام‌های آموزش مهارتی انجام می‌گیرد و دستیابی به اهداف بلندمدت که نقش بی‌بدیلی در دستیابی به توسعه پایدار دارد، به عنوان یک تکلیف مشترک بین کلیه دست اندرکاران و سیاستمداران آموزش عالی به شمار می‌رود و لازم است در این راستا به مسائل و چالش‌های تضمین کیفیت به طور جدی تری اندیشیده شود و برنامه‌ریزی‌های لازم جهت اجرایی شدن راهکارها و عوامل تسهیل بخش مسائل و چالش‌های مذکور صورت گیرد.

منابع

- اسحاقی، فاخته و محمدی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی اجزای اصلی نظام‌های تضمین کیفیت در آموزش عالی. اولین کنفرانس ملی ارزیابی کیفیت در نظام‌های دانشگاهی. تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
- پرند، کوروش. (۱۳۹۲). پیش درآمدی بر نظام جامع مهارت و فن‌آوری. مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی ارزشیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های آموزشی، ۱۷-۸.
- ثابت زاده، حمیدرضا؛ حاتم زاده، علیرضا؛ فلاح وحدتی جو، مجید و هاشمی، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای آلمان و ایران. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۸۰-۲.
- حسینی راد، مهدی و کاووسی، اسماعیل. (۱۳۹۳). اولویت بندی نهادهای خط مشی گذار نظام آموزش مهارتی در ایران. پنجمین همایش ملی چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، ۱۴-۱.
- خرقانی، سعید و سلسله، مینو. (۱۳۹۰). آموزش علمی کاربردی: نظام آموزشی مجاور یا رکنی اساسی در آموزش عالی؟. کنفرانس آموزش مهندسی در ۱۴۰۴، ۹-۱.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۳). آسیب شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور. مهارت آموزی، صص ۴۸-۲۵.
- عطارنیا، احمد؛ خنیفر، حسین؛ رحمتی، محمدحسین و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تدوین خط مشی در نظام غیررسمی آموزش مهارتی ایران. مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره دوازدهم، شماره ۲، ۳۷۴-۳۴۵.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان. تهران: انتشارات سمت.
- مارتین، میشل و استلا، آنتونی. (۱۳۸۸). تضمین بیرونی کیفیت در آموزش عالی. ترجمه رضا محمدی، تهران: انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور.
- محمدعلی، محبوبه. (۱۳۹۰). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و راه‌های اصلاح آن. رشد و آموزش فنی و حرفه‌ای، دوره هفتم، شماره یک، ۱۸-۱۰.
- مقصودی، فرشته. (۱۳۹۳). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اقتصاد کشور و توسعه کسب و کار. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۷۳، ۴۷-۴۰.
- نوید ادهم، مهدی؛ شفیع زاده، حمید. (۱۳۹۵). بررسی مهم ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره بیستم، ۲۱-۷.
- نیرومند، پوران‌دخت؛ فرجی ارمکی، اکبر؛ رنجبر، محبوبه؛ احدیه، نرگس و قنبری، حمیده. (۱۳۹۲). تبیین تعامل و ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای